دریچه

افتتاح جشنواره فیلم کن با فیلمی از جانی دپ

همدلی| «ژان دو باری» با بازی جانی دپ به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فیلم کن ۲۰۲۳ انتخاب شد.

بـــه نقل از هالیوود ریپورتـــر، «ژان دو باری» که در آن جانی دپ در نقش پادشاه لویی پانزدهم بازی کرده برای افتتاحیه فیلم کن انتخاب شد.

این فیلم بـــه کارگردانی می وین اولین نمایش جهانی خود را ۱۶ ماه می در کاخ جشنواره تجربه می‌کند.

در این فیلم که زندگی، ظهور و سقوط پادشاه فرانسه را تصویر می‌کند، کارگردان هم به عنوان شخصیت اصلی فیلم در کنار دپ نقش‌آفرینی کرده است.

ژان وابرنیه زن جوانی از طبقه کارگر که تشنه لذت است و از هـــوش و جذابیت خود بـــرای بالا رفتن از پله‌های نردبان اجتماعی استفاده می‌کند موفق می‌شود تا توجه پادشـــاه را به خود جلب کند و برخلاف همه اصول به ورسای نقل مکان می‌کند و باعث رسوایی دربار می‌شود.

این فیلم در عین حال از سوی عربستان سعودی تامین مالی شده و اولین باری است که فیلمی از عربستان این جایگاه را به دست می‌آورد.

هفتاد و ششمین جشـــنواره فیلم کن از ۱۶ تا ۲۷ می (۲۶ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۴۰۲) برگزار می‌شود.

شرط رییس صداوسیما برای ساخت «نون خ ۵»

همدلی| مهدی فرجـــی، تهیه‌کننده «نون خ» گفت: رئیس صداوسیما در عین حالی که «نون خ ۵» را به ما سفارش داد، تاکیدش این بود که قومیت ها باید خیلی بیشتر از این دیده شوند.

فرجی در گفت‌وگو با صداوسیما با اشاره به اینکه بخش عمده موفقیت «نون خ» به تلاش آقاخانی، شـــناخت او درباره قومیت کرد و البته قلم نویســـنده آقای وفایی برمـــی گردد، ادامه داد: این دو نقش تاثیرگذاری دارند. در کنار این دو عزیز بازیگران و عوامل پشت صحنه ما موثر هســـتند. حتی هنروران ما هم کرد هستند. خود آقاخانی و همکارانش در شـــهرهای مختلف کردنشین تست بازیگری گذاشتند، صدها نفر فیلم فرستادند و از بین آنها بازیگرانی انتخاب شدند که خیلی از آنها برای اولین بار جلوی دوربین آمده بودند.

تهیه‌کننـــده «نون خ» اظهـــار کرد: ســـال ۹۷ وقتی می‌خواستیم ســـریال را شروع کنیم و آقای آقاخانی را برای کارگردانی دعوت کردیم فکر نمی‌کردیم به کاری قومیتی، بومی و ملی ایرانی برسیم. آقاخانی پیشنهاد ما را که قبول کرد گفت بهتر اســـت آن را به سمت یکی از قومیـــت ها ببریم و اگر لهجـــه و لباس و جغرافیای مشـــخصی داشته باشیم کار شیرین تر می شود. چون خود او کُرد بود پیشنهادش پرداخت به همین قومیت بود.

وی ادامـــه داد: وقتی با معاون وقت ســـیما آقای دکتر میرباقری موضوع را مطرح کردیم ایشـــان نپذیرفت و گفت ریسک کار در فضای قومیتی زیاد است و ممکن است مشـــکلات و معضلاتی به وجود بیاید و گرفتاری هایی برای رسانه ملی ایجاد کند، بنابراین به سمت کار دیگری برویـــد. ولی ما هرچه فکر کردیم به نتیجه ای نرســـیدیم و آقاخانی هم گفت اگر کار قومیتی نباشد علاقه ای به ساخت آن ندارم.

تهیه کننده «نون خ» با بیان اینکه به مرور شخصیت‌های قصه شناخته و سریال در بین مردم پذیرفته شده است، تاکید کرد: به ویژه کُردها کار را دوســـت دارند و باعث شـــده ما با خیال راحت تر کار کنیم اگرچه همچنان مراقب همه ظرافت های سریال هستیم تا خدایی نکرده رنجشی ایجاد نشود.

او در پاســـخ به این سوال که «نون خ» چطور به فصل چهارم رســـید و ماندگار شد؟ توضیح داد: واقعیت این است که فصل اول را ما ساختیم ولی فصل های بعدی با اصرار و پیگیری و درخواســـت مردم از رسانه ملی به ثمر رســـید. وقتی مشغول ساخت فصل اول بودیم هم آقای آقاخانی می گفت این کاری اســـت که حتما به فصل های بعدی می رسد و از ابتدا چنین پیش بینی داشـــتیم. من در دوران مدیریتم بر شبکه یک تجربه ساخت «پایتخت» را هم داشتم و می‌دانستم کارهای قومیتی اگر به زبان طنز و شـــیرین ساخته شود حتما مورد اقبال مردم قرار می گیرد.

سازمان آگهی ها

روزنامه همدلی

۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱

مروری بر تجربه خودکشی در میان اهالی هنر و ادب؛

تجارب دراماتیک اما تلخ

سجاد مالمیر

روزنامه‌نگار

صادق هدایت در کتاب «زنده به گور» می‌نویسد: «این سرنوشت اســـت که فرمانروایی دارد، ولی در همین حال این من هســـتم که سرنوشـــت خودم را درست کرده‌ام. حالا دیگر نمی‌توانم از دستش بگریزم. نمی‌توانم از خودم فرار کنم» او دو بار اقدام به خودکشی کرد. بار اول خود را در رودخانه مَرن غرق کرد اما دســـت بر قضا یک قایقران جان او را نجات داد. آنان که خودکشی می‌کنند و لحظه آخر از مرگ می‌گریزند معمولاً تجربه تلـــخ جان کندن آنچنـــان بیم و هراس در دل‌شـــان می‌اندازد که دیگر دست به تکرار خودکشی نمی‌زنند اما گویا صادق هدایت بین تجربه اول خودکشـــی تا زمانی که با استنشاق گاز آشـــپزخانه آپارتمان کوچکـــی در خیابان شامپیونه پاریس دست به مرگ خودخواسته زد و از دنیا رفت، جز به مرگ نمی‌اندیشید. او باور داشت:«کسی تصمیم به خودکشی نمی‌گیرد، خودکشی با بعضی‌ها هست. در خمیره و سرشت آنهاست. نمی‌توانند از دستش بگریزند»

معمولا نویســـندگان و اهل هنر و قلم، روحیه حساس و شـــکننده‌ای دارند. ویرجینیا وولف، نویسنده صاحب‌نام انگلیسی طی جنگ‌های اول و دوم جهانی بسیاری از دوستان خود را از دست داد که باعث افسردگی شدید او شد و در نهایت تحت تاثیر اتفاقات تلخ زندگی خود را در رودخانه اوز غرق کرد. ریونوسوکه آکتاواگا، نویسنده ژاپنی کـــه در اواخر عمرش با بی‌خوابی مزمن و ترس از دیوانگی دســـت به گریبان بود نیز با خوردن مقادیر زیادی قرص ســـیانور به عمر خود پایان داد. او در یکی از آخرین یادداشت‌هایش نوشته بود: «آیا کســـی پیدا نمی‌شود که بی سرو صدا گلوی مـــرا در خواب بفشـــارد؟» همین تجربه تلخ، برای ارنســـت همینگـــوی معروف هم رخ داد. او مشـــابه صادق هدایت یک تجربه ناموفق خودکشی در میانســـالی و یک تجربه موفق در کهنسالی داشـــت و خاموش شد. سیلویا پلات هم به خاطر خیانت همسرش مشابه تجربه دوم صادق هدایت، با گاز به زندگی‌اش پایان داد. او سراینده شعر معروف زندگی است که می‌گوید: «مرگ گاهی زود به سراغ آدم‌ها می‌آید، آنها که عمرشان کوتاه است. اما بعضی از ما زنده نیستیم! مرده‌ایم! چرا که نه زندگی را شناختیم و نه مرگ را! چرا که عشق، آزادی، احساسات، امید، و تعلق را، هرگز نیافتیم! آری! بسیاری از ما، مدت‌هاست مرده‌ایم! پیش از آن که زندگی کنیم!»

ســـال‌ها پیش از ارنست همینگوی و ویرجینیا وولف، ستارگان دیگری نیز به زندگی خود پایان دادند که سرآمد تمام این نام‌ها، ونسان ونگوگ نابغه هلندی عرصه نقاشی است. در عرصه سینما نیز هیث لجر و رابین ویلیامز، دو بازیگر شناخته شده‌ای هســـتند که خودکشی کرده‌اند، و البته مریلین مونرو افســـانه‌ای که می‌گویند آن‌قدر قرص آرامبخش خورد تا بـــه زندگی‌اش پایان داد. جیمی هندریکـــش و ایمی واینهاوس نیز موزیســـین‌هایی بودند که قبل از آنکه مرگ به سراغشان بیاید خود به استقبال آن رفتند.

در میـــان چهره‌های ایرانی نیـــز غزاله علیزاده، نویسنده رمان شناخته شده «خانه ادریسی‌ها» از جمله افرادی اســـت که با مرگ خودخواسته از دنیا رفته اســـت. او که از بیماری سرطان رنج می‌برد بعد از دو بار خودکشی ناموفق، سرانجام در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ در روستای جواهرده رامســـر، خود را از درختی حلق‌آویز کرد. زهره فکور صبـــور، بازیگر و آزاده نامـــداری، مجری تلویزیـــون، دیگـــر چهره‌هایی هســـتند که در ســـال‌های اخیر به طرز مرموزی از دنیا رفته و شواهد نشـــان می‌دهد مرگ آن‌ها نیز به نوعی خودکشی بوده اســـت. اما همه این‌ها را گفتیم تا برسیم به کیومرث پوراحمد، خالق «قصه‌های مجید» که اخیراً با مرگ خودخواسته‌اش، بسیار متعجب، مبهوت و البته عزادارمان کرد.

کیومرث پوراحمد یکی از مهم‌ترین فیلمسازان نســـل بعد از انقلاب ۵۷ که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۷۰ فیلم‌ها و سریال‌های موفق و به یادماندنی در کارنامه‌اش ثبت کرده بود، شانزدهم فروردین ۱۴۰۲ در ۷۳ سالگی درگذشت. گزارش شده که او در خانه‌اش در شهرک ساحلی بندر انزلی جان خود را گرفته اســـت. ساعتی پس از درگذشت او، رضا کیانیـــان از عباراتی مانند «دق کرد» و «خودکشی کرد» برای مرگ دوست و همکارش اســـتفاده کرد و نوشت: کیومرث پوراحمد رفت که رفت که رفت... ... دق کرد... ... خودکشـــی کرد... ... تســـلیت به خانواده ایشان. به خانواده ســـینما ... به خـــودم.. به همه» هوشـــنگ گلمکانی، منتقد سینما که از دوستان او بود نیز فوت پوراحمد را این گونه شرح داد: «همین قدر سهمگین و به شکل وحشتناکی شجاعانه از سر افسردگی حاصل از ناامیدی»

اطلاعیه‌ای که مرکز اطلاع‌رسانی پلیس منتشر کرد نیز خبر خودکشـــی کیومرث پوراحمد را تایید کرد. در این اطلاع آمده اســـت: «در حال حاضر یافته‌های پلیس حاکی از آن اســـت که در کنار جسد مرحوم پوراحمد دست‌نوشته‌ای کشف شـــده است که متاسفانه حکایت از اقدام وی به خودکشی دارد.»

پس از انتشـــار این اطلاعیه، نزدیکان پوراحمد و علاقه‌مندان به ســـینما امیدوار شـــدند که با دسترســـی به دست‌نوشـــته کارگردان فقید، از دلیل اصلی خودکشـــی وی آگاهـــی یابند که دادستان مرکز اســـتان گیلان در رابطه با نامه کشف شـــده در محل فوت کیومرث پوراحمد گفت: «نوشـــته‌ای که همـــراه مرحوم پوراحمد کشف شده، نوشته‌ای کاملاً شخصی، خصوصی و خانوادگی است.» وی اظهار داشت: «عدم انتشار تصاویر دل‌نوشـــته‌های خانوادگی و خصوصی پوراحمد در بخشـــی از وصیـــت نامه وی مورد تاکید قرار گرفته است.» به گفته دادستان مرکز اســـتان گیلان، مرحوم پوراحمد در انتهای این نامه تاکید کرده به غیر از خانواده‌اش کســـی از محتـــوای نامه با خبر نشـــود و باتوجه به اینکه خانواده مرحوم از محتوای نامه مطلع هستند در صورت صلاحدید محتوای آن را منتشر خواهند کرد. آخرین فعالیت کیومرث پوراحمد به‌عنوان یک چهره عمومی به حضور فیلم تازه‌اش با نام «پرونده باز است» در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر برمی‌گردد که حاشیه‌های فراوانی به دنبال داشت. او چند روز قبل از شروع جشنواره انصرافش را اعلام کرد و نوشت: «جشنواره فیلم فجر دیگر جشـــن سینمای ایران نیست، جشن دو ســـه ارگان خاص اســـت، در این چندساله جشنواره برای من هیچ ارزش و اهمیتی نداشته به خصوص در این سال خونبار و دردناک، با این همه داغی که بر دل داریم دیگر چه جشنی چه جشنواره‌ای؟» خالق قصه‌های مجید همان‌گونه که اعلام کرده بود در جشنواره فیلم فجر حضور پیـــدا نکرد و البته مورد انتقاد شـــدید برخی از رسانه‌های اصولگرا هم قرار گرفت.

پس از حواشی جنجالی جشنواره فیلم فجر، به مدت دو ماه هیچ خبری از پوراحمد منتشر نشد تا اینکـــه روز ۱۶ فروردین با مرگ ناگهانی‌اش جامعه هنری ایران را به شوک فرو برد.

همه آنچه در مراسم خاکسپاری پوراحمد گذشت

وداع با خالق «قصه‌های مجید» در میان بهت و اشک

همدلی| دو روز پس از وداع شوکه‌کننده و تلخ کیومرث پوراحمد، کارگردان سرشـــناس سینما، با زندگی این جهان، روز گذشته ۱۸ فروردین ماه اعضای خانواده و همکارانش در قطعه هنرمندان بهشت زهرا تهران گردهم آمدند تا عزیز خود را به خاک بسپارند.

به گزارش ایســـنا، جمعی از مردم علاقه‌مند به این هنرمند هم به بهشت زهرا آمده بودند، در حالی که دختران مرحوم پوراحمد که به تازگی به ایران برگشته‌اند و نیز همسرش با بی‌تابی فراوان در مراسم حضور داشتند.

کوروش سلیمانی مجری مراسم در ابتدا گفت : سلام ما به پروین دخت یزدانیان، مادری مهربان که ما خیالمان راحت است کیومرث پوراحمد را در آغوش خواهد گرفت.

ایـــن بازیگـــر در ادامه به مهرانه ربی همســـر کیومرث پوراحمد و دخترانش که در غربت این خبر تلخ را شـــنیدند تسلیت گفت و از مردم که برای این مراسم به بهشت‌زهرا آمده بودند قدردانی کرد.

مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما، به عنوان نخستین سخنران این مراســـم گفت: حرف زدن خیلی سخت است و وقتی آخرین روزهای ســـال تلخ گذشـــته قبول کردم همراه خانه سینما باشم می‌دانستم، مسئولیت پرچالشی دارم و فکر می کردم بهار شروعی خوب باشد ولی فکر نمی‌کردم اینطور کمر من و خانه سینما بشکند. می دانم که همه در این دو روز و در آینده درباره شخصیت هنری، صداقتش،شجاعش، یک‌رو بودنش و...خواهند نوشت اما مجموعه «قصه‌های مجید» او را نمی توانم کنار بگذارم،او مســـتقیم به قلب داســـتان زد در حالی که من به عنوان کســـی که برای بچه‌ها کار کرده‌ام به فانتزی پناه بردم.

او خطاب به همکاران خود افزود: به جای اینکه با این طریق خشک و عبوس و مطابق با زمانه پیش بروید، در همین دوره‌های آنلاین خود سراغ «بچه‌های مجید» بروید که پر از حرف و امید است.

برومند گفت: امیدوارم این اتفاق باعث شود همه به خودمان بیاییم و اختلافهای درونی سینما را وسیله نابودی نکنیم بلکه برای ساختن و امید کار کنیم و به نفع مردم، امید بیافرینیم.

جهانبخش ســـلطانی که بازیگر نقش ناظـــم مجموعه «قصه‌های مجید» بود،خاطره ای را از حضور خود در این سریال و آن قسمتی که مجید انشایی درباره مرده‌شور نوشت و نیز با اشاره به پرویندخت یزدانیان تعریف کرد و افزود: «مجید» با آن ویژگی‌های طنز به عنوان نسلی که اهل قلم و کشف و معرفت است، دیگر تکرار نشد.

در ادامه محمدرضا عرب نماینده کانون کارگردانان خانه سینما با حضور در جایگاه گفت :۱۶ فروردین ماه، جان از تن سینمای ایران رفت. می خواهم بیانیه کانون را بخوانم ولی امیدوارم بتوانم این کار را انجام دهم چون بیست و چند سال قبل آقای پوراحمد برای ساخت فیلم ، پروانه ساخت مرا داده بود.

او با ابراز امیدواری براینکه سازمان ها و نهادها رفتار محترمانه‌ای با هنرمندان داشـــته باشند در بخشی از بیانیه که آن را قرائت کرد با اشاره به نحوه مرگ کیومرث پوراحمد گفت: او سینماگر مطالبه‌گر و معترضی بود. او معترض بود ولی افسرده و ناامید نبود. او با کنش ها و در آخربا مرگش اعتراض خود را نشان داد. اعتراض او به شرایط فعلی هم بـــود و آقای پوراحمد خود را قربانی کرد تا به جوان‌ترها امید دهد.

کیانوش عیاری نیز در ادامه با اشاره به اینکه این شوک تلخ گفت: بسیار ناباورانه بود رفتن کیومرث و خود من در اوج تعجبم چون از او خواسته بودم که فیلم «کاناپه» مرا ببیند و او قبول کرد که دو سه روز دیگر که به تهران آمد فیلم را ببیند.

همیـــن دو روز قبل کـــه به خانه‌اش رفتم، وقت رفتن، خواســـتم کمی حلوایی که در خانه گذاشـــته بودند را بخورم تا با این تلاش ساده‌انگارانه شاید به این شکل مرگ او را باور کنم.

عیاری افزود: او بسیار از شرایط پیرامون همه ناراضی بود از زمین و زمان گله می‌کرد، با این حال از من پرسید که آیا طرحی برای کار او دارم و با وجود تفاوت نوع کارمان، میخواستم چیزی بنویسم که از شیوه او تخطی نکند. برای همین افسردگی او را نمیتوانم باور کنم.

او همیشـــه از همســـرش به عنوان مدیر زندگی‌اش یاد می‌کرد و میدانم مهرانه عزیز همانطور که میگوید زندگی‌اش ویران شده است و همینطور فرزندانش.

در ادامه حبیب احمـــدزاده که فعالیت ها و مراودت هایی درحوزه صلح نیز با پوراحمد داشـــت، بیان کرد: پوراحمد آدم دل بود و آدم دل،با سیاست کاری ندارد. خنده‌ام می گیرد که کسی او را به جناحی ربط بدهد. او نه دل به بلاهت داخلی می داد و نه به خبثت خارجی. دلیل رفاقت من جبهه‌ای با او نیز به این دلیل بود که پوراحمد یک ایرانی تمام عیار بود و می‌گویم که باید یک ایرانی باشد تا بعد سر مدیریتش دعوا کنیم.

احمـــدزاده ادامه داد: او به هر بهانه‌ای این نوع پایان را انتخاب کرد ولی بلایی را که ســـر خانواده تختی آوردیم سر خانواده پوراحمد نیاوریم. این خانواده باید زندگی کند. من وصیتنامه او را خوانده‌ام و هیچ‌مسئله سیاسی ندارد.

این نویســـنده در پایان سخنانش گفت: اگر واقعا کیومرث را برای کارهای خوبش دوست دارید از فضای مجازی برای نابود کردن هم استفاده‌نکنید.

در بخشی دیگر منوچهر شاهسواری تهیه کننده سینما بیان کرد: چیزی نمی شـــود گفت جز دعا برای همسر و خانواده و کیومرث هـــر جای دیگری هم که بود، همین کافی بود که چنین آثاری به جا گذاشته است.او به یمن و برکت آثارش همیشه هست و خواهد بود.برای او هیچ دریای بی‌ســـاحلی وجود نداشت و آنچه انجام داد، ساحلی برای او بود.

کورش ســـلیمانی در ادامه از حاضران خواســـت بایستند و با نام هـــر کدام از آثار کیومرث پوراحمد او را تشـــویق کنند که پس از قرائت تمام کارهای هنری‌او، حاضران با فریاد «درود بر پوراحمد» تشویق‌های خود را ادامه دادند.

ســـپس از محمد مهدی عسگرپور دعوت شد که در جایگاه حاضر شود و او با تسلیت از ســـوی خانه هنرمندان ایران و تمام صنوف هنری بیان کرد:ما با یک مورد عجیب روبرو هســـتیم و در این سه روز سینمای ایران تلخ ترین و عجیب‌ترین اتفاق خود را پشت سر گذاشت، چون همین آثاری که نامشان مرور شد با این پایان‌بندی، هماهنگ‌نیست.

رییس هیات مدیره خانه سینما و مدیرعامل خانه هنرمندان به حرفها و شایعاتی که درباره علت مرگ پوراحمد در فضای مجازی منتشر شده اشاره کرد و نیز با اشاره به صحبت‌های حبیب احمدزاده گفت: باید خویشتنداری بیشتری داشت و در عین حال باید از هنرمندان بخصوص پیشکسوتان مراقبت کرد.البته تا می گوییم مراقبت، برخی سانسور را برداشت می کنند یا مراقبتهای مالی ولی نقش صنف در این زمینه بسیار مهم است.

در ادامه مهرانه ربی همسر پوراحمد با صدایی گرفته، گفت:کیومرث مرا کشت و پرونده مرا بست. ما همیشه با هم بودیم. چیزی که برایم عجیب است، این است که او اصلا چنین شخصیتی نداشت و من این اتفاق را باور نمی کنم. تازگی‌ها یاد گرفته بود دست مرا می‌بوسید و می گفت باید شکرگزار باشم؛ نمی‌دانم چرا این کار را می کرد. قرار بود یک هفته‌ای برود و برگردد، من هم نمی‌توانستم بروم.

او با اشاره به اینکه پوراحمد عاشق مردم بود ،خطاب به همسرش گفت:کیومرث، خانه من خراب شد.

یکـــی از دختران کیومـــرث پوراحمد نیز به نمایندگـــی از دیگر خواهرانش گفت: همیشه به پدرم میگفتم فکر نمیکنم هیچ دختری پدری مثل ما داشته باشد چون او عاشقانه دخترانش و نیز ایران را دوست داشت.

مهرداد پوراحمد هم به نمایندگی از خانواده پوراحمد گفت: کیومرث پوراحمد پرونده‌ای است که همیشه باز است و فارغ از تمام حاشیه‌ها میخواهم که به ما کمک کنید تا این دوران را سپری کنیم.

در پایان پیکر کیومرث پوراحمد به ســـمت مزاری که آماده شده بود، بدرقه شد.

رخشان بنی‌اعتماد، مســـعود جعفری جوزانی ،بهمن فرمان‌آرا، کیانوش عیاری، جعفر پناهی ، منوچهر شاهســـواری، همایون اســـعدیان،محمدرضا فروتن ، طنـــاز طباطبایی ،منیژه حکمت، داریـــوش فرهنـــگ، مرضیه برومنـــد، طنـــاز طباطبایی، رضا درمیشـــیان، حبیب احمدزاده، علی قائـــم مقامی، جهانبخش سلطانی، محمدرضا غفاری، کورش ســـلیمانی، مسعود فروتن، حبیب اســـماعیلی، محمد شیری، بهزاد خداویسی، مینا وحید، احمـــد امینی، فرهاد توحیدی، محمـــد کارت، کتایون ریاحی، فردین خلعتبری، ســـروش صحت، علیرضا معتمدی،احمدرضا درویـــش، محمد علی زم، محمد رســـول اف ، مهدی جعفری، محمدرضـــا دلپاک ، عزیزالله حمیدنژاد، حســـن پورشـــیرازی، مسعود کرامتی از جمله هنرمندان حاضر در این مراسم بودند.

رویداد

تاریخ سازی خواننده «BTS»

همدلی| جیمین، یکی از اعضای گروه مشـــهور «بی تی اس» (BTS) به نخستین هنرمند اهل کره جنوبی تبدیل شـــد که توانســـته به صورت انفرادی به جایگاه نخست جدول ترانه‌های برتر ایالات متحده آمریکا راه پیدا کند. مجله «بیلبورد» اعلام کرد که «جیمین» (Ji-min) بـــا قرار گرفتن در صدر جدول برترین ترانه‌های ایالات متحده به عنوان نخستین هنرمند کره جنوبی شـــناخته می‌شود که این جایگاه را به صورت تک نفره کسب کرده است.

ترانه «دیوانه‌وار» این خواننده با کنار زدن ترانه «گل‌ها» اثر «مایلی سایرس» که ۸ هفته در جایگاه نخست این فهرست قرار داشت، موفق شد در هفته جاری جایگاه نخست «۱۰۰ ترانه برتر بیلبورد» را کسب کند.

ترانـــه «دیوانه‌وار» که بخشـــی از آلبـــوم «چهره» این خواننده کره‌ای اســـت، در حالـــی در صدر جدول قرار گرفت که آلبوم «چهره» نیز در جدول برترین آلبوم‌های «بیلبورد» جایگاه دوم را کســـب کرد و رکورد برترین جایـــگاه در بیـــن آلبوم‌های تک‌نفـــره هنرمندان اهل کـــره جنوبی این جدول را نیز بـــه خود اختصاص داد. «جیمین» به این ترتیب توانست رکورد پیشین دیگر عضـــو «بی تی اس»، یعنـــی «آر اِم»(RM) که در ماه دسامبر به جایگاه سوم دست یافته بود را نیز بشکند.

گروه «بی تی اس»(BTS) به عنوان بزرگ‌ترین پدیده فرهنگی کره جنوبی شناخته می‌شود که کنسرت‌های پرطرفداری در سراسر جهان برگزار می‌کند و علاوه بر موفقیت در جدول‌های موســـیقی، برای اقتصاد کشور ســـودآور بوده و گروهی از طرفداران را در سراسر جهان شـــکل داده که با نام «آرمی»(ARMY) شـــناخته می‌شوند.

کوکاکولا برای تبلیغ دست به دامان هنر شد

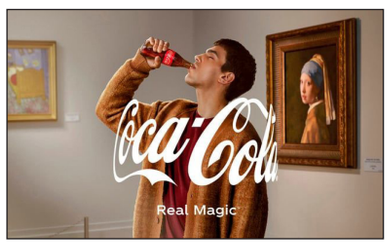

همدلی| رسانه ها خبر می دهند پس از برندهای بزرگ نفت ، مد ، جواهرات ، اتومبیل ســـازی، گردشـــگری و هلدینگ های کلان ســـرمایه گذاری و تجارت، اکنون کوکاکولا هم برای متفاوت دیده شـــدن به دنیای هنر پای گذاشته است؛ البته شیوه کوکاکولا واقعن متفاوت تر از دیگران استبه گزارش ایران آرت، کوکاکولا در این مسیر از یک موقعیت استثنایی برخوردار بود: « سری کوکاکـــولا اندی وارهول » اما خلاقیت این نوشـــیدنی جهانی و توجهش به تولید محتوای روز ســـبب شد با کمک این ســـری جهانی، پای به دنیـــای آثار بزرگانی مانند ونگوگ ادوارد مونـــک و ... نیز گذارد و این گونه همه نگاه‌ها را به خود جلب کند.اوایل دهه ۱۹۶۰ اندی وارهول شروع به آزمایش شیوه خاصی از سیلک‌اسکرین کرد که از آن برای بیان نظرات خود درباره تولید انبوه استفاده می‌کرد. از جمله آثار نمادین او به تصویر کشیدن بطری‌های کوکاکولا بود.در سال ۱۳۸۹ تابلوی سیاه و سفید «بطری کوکاکولا» اندی وارهول در حراج ساتبی بـــه قیمت ۳۵ میلیون دلار فروخته شـــد.این تابلو که به‌روی کرباس نقاشی شده بود توسط شخصی نامعلوم به قیمت ۳۵ میلیون و ۳۶۰ هزار دلار فروخته شـــد.اما اکنون بعد از گذشـــت ۵۰ سال از خلق سری کوکاکولا وارهول، از شیوه نگرش این هنرمند پاپ آمریکایی در مورد مصرف گرایی بهره نوین برده شده است.یک فیلم تبلیغاتی جدید با عنوان «شاهکار»، تابلوی کوکاکولا اثر وارهول را در کنار نقاشـــی‌های آشنای استادان دیگر، مانند جیغ ادوارد مونک (۱۸۹۵)، اتاق خواب وینسنت ون گـــوگ در آرل (۱۸۸۹) و پـــل درام و تپـــه غروب خورشید (۱۸۵۸) اثر اوتاگاوا هیروشیگه نشان می‌دهد.

ایـــن فیلم تبلیغاتی دو دقیقـــه‌ای در یک موزه هنری می‌گـــذرد، جایی که گروهـــی از دانش‌آموزان زیر نظر معلم خود طراحی می‌کنند. ناگهان نقاشـــی‌های روی دیوار جان می‌گیرند و دستی از یک تابلو بیرون می‌آید و بطری کوکاکولا را از نقاشی وارهول بیرون می‌کشد.

در ادامه بطری نوشابه میان شخصیت‌های نقاشی‌های جدید و قدیمی در تالار موزه دســـت به دست می‌شود تا در نهایت به دختری با گوشواره مروارید اثر یوهانس ورمیر (۱۶۶۵) برســـد که بطری را باز کـــرده و آن را تعارف می‌کند. بنیاد هنرهای تجسمی اندی وارهول با این کمپین همراه است. مدیر فروش بنیاد می‌گوید: این شـــاهکارهای هنری، همراه با آثار هنرمندان نوظهور از سراســـر جهان، قدرت الهام بخش هنرهای بصری را از طریق لنز جادویی کوکاکولا نشان می‌دهند.در سال‌های اخیر اســـتفاده از آثار هنری معروف در تبلیغات به یک اســـتراتژی محبوب تبدیل شده اســـت که غیر از ری برندینگ دوباره برندهای معتبر، می تواند زمینه ســـاز معرفی بیشتر آثار هنری به کسانی باشد که شناختی از هنـــر ندارند. در همین راســـتا کوکاکولا در کنار این کمپین تبلیغاتـــی، صفحه جدیدی راه‌انـــدازی کرده اســـت که در آن بازدیدکنندگان می‌توانند نقاشی‌های موجود در آگهی را مشاهده کنند و مصاحبه با برخی از هنرمندان مطرح معاصر را تماشا کنند.